

یادداشت

بیانیه شتاب‌زده

احمدشیرزاد

دوروز پیش، به تاریخ ۱۴۰۴/۴/۱۷ دوستان ما در جبهه اصلاحات بیانیه‌ای در اعتراض به قانون تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منتشر کردند. من به عنوان یک اصلاح‌طلب نمی‌توانم با این موضع‌گیری همدل باشم.
اولا لحن بیانیه بسیار تند است و به نظر نمی‌رسد از سر بختگی و آرامش نگاشته شده باشد.
ثانیا بسیار تحکم‌آمیز است. دوستان ما در شرایطی نیستند که با چنین لحن آمرانه یا ناهایانه‌ای با نهادهای حکومت سخن بگویند. به گمانم کار دوستان بسیار عجولانه و دور از انتظار بود.

شرایط فعلی در روابط متقابل ایران با آمریکا و اروپا، در زمینه مسائل هسته‌ای، که به نوعی با روابط ایران با آژانس گره خورده است، شرایطی خاص و سرشار از ابهام است. میزان و نوع آسیب‌هایی که به تأسیسات هسته‌ای ما زده‌اند، روشن نیست. نظام نیز هنوز برنامه مشخصی برای ادامه فعالیت‌های هسته‌ای، پس از حمله آمریکایی‌ها اعلام نکرده است و به گمان من در این مسیر هیچ عجله‌ای هم نباید بکند.
مسبب وضعیت درهم‌میخته و پر از ابهامی که ایجادشده خود آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها هستند و دلیلی ندارد که ما برای ادامه سیطنت آنها چراغ‌های مسیر را روشن کنیم.

در چنین شرایطی پر از ابهامی که ابعاد مسئله از هر طرف تاریک است، چه لزومی دارد که جناح‌های سیاسی داخلی دست به موضع‌گیری‌های بسیار صریح و بی‌بربرگرد بزنند؟ کدام طبقه اجتماعی یا سیاسی در کشور چشم‌انتظار این موضع‌گیری بود؟ به کجا چنین شتاین؟

و اما به لحاظ محتوایی، ادامه همکاری ایران با آژانس به صورت متداول قبل از تهاجم اسرائیل و آمریکا، به این معنی است که بازرسانی را که هنوز در ایران مانده‌اند، بلافاصله با سلام و صلوات و احترامات فائقه ببریم بر سر سرآسیسات بمباران‌شده‌تا با دقت عکس و فیلم بگیرند و گزارش میزان موفقیت‌داشتن یا موفقیت‌نداشتن حملات را بی‌کم‌وکاست تحویل دشمنان ما بدهند.
همچنین باید دست آنها را بگیریم، ببریم به هر مکانی که آنها به آن ظنن هستند تا از آنچه می‌تواند اهرم چانه‌زنی ما در آینده باشد، خبر بگیرند. در شرایطی که خود آمریکایی‌ها مدعی‌اند همه چیز را از بین برده‌اند و بابت این کار جشن به راه می‌اندازند، چه لزومی دارد برای «یک برنامه منهدم‌شده» (به نظر آنها) بازرسی انجام شود.
اینکه ایران به عنوان کشوری که برنامه هسته‌ای‌اش مورد تهاجم قرار گرفته و آسیب دیده، آمادگی همکاری با آژانس را ندارد. امری دور از منطق و تعجب‌برانگیز نیست.

افزایش احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، نگرانی دیگر دوستان ما، به گمان من، این سناریویی است که طرف‌های اروپایی و آمریکا از ماهه‌ها پیش تدارک آن دیده بودند. حتی در شرایطی که به‌ظاهر ما در حال مذاکره معطوف به نتیجه یا آمریکایی‌ها بودیم، سه کشور اروپایی در آن سو زمزمه فعال‌سازی مکانیسم ماشه را داشتند و برای آن زمینه‌چینی می‌کردند. آن‌طور که شواهد نشان می‌داد، حتی اگر جنگ هم رخ نمی‌داد و آنها با تعاریف خودشان هر نوع حسن‌نیتی را هم از ما می‌دیدند، باز هم طرف‌های اروپایی و آمریکا حاضر نبودند اجازه دهند ایران به‌سادگی از دوران ضرب‌الاجل‌ سازوکار ماشه عبور کند.

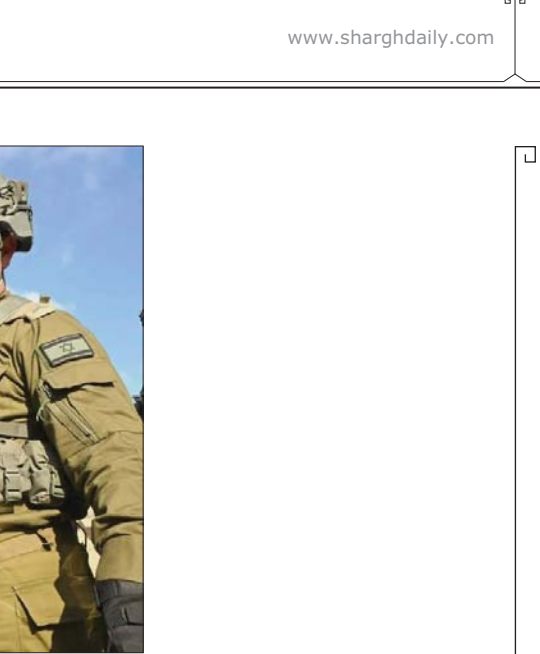
و بالاخره خوب بود عزیزان نگاهی هم به متن مصوبه و ادبیات آن می‌کردند. به نظر من متن مصوبه بسیار دقیق و حساب‌شده تنظیم شده است، به طوری که انعطاف لازم را دارد و دست تصمیم‌گیرندگان سیاسی و راهبردی کشور را نمی‌بندد. مصوبه حاکی از تعلیق همکاری تا زمان حصول شرایط معین برای تضمین امنیت تأسیسات و متخصصان کشور است. بنابراین در صورت حصول شرایط ذکرشده (که شرایطی معقول و منطقی است) از طرف شورای‌عالی امنیت ملی، راه برای همکاری با آژانس بازمی‌گذارد. اگر دوستان ما دست‌کم اعتماد به دولت را به کار می‌گرفتند، باید فکرش را می‌کردند که دولت چنانچه با مصوبه مجلس در بن‌بست قرار می‌گرفت، در مقابل آن آن‌قلتی می‌آورد و آن را به این سرعت ابلاغ نمی‌کرد.
متهم‌کردن پزشکیان عزیز به شتاب‌زدگی جفاست. واقعا برای من سؤال است که بیانیه صادرشده کدام راه را می‌گشاید؟

خبر

عضو هیئت‌رئیسه مجلس:

آسیب‌زدن به انسجام ملی، خیانت است

عضو هیئت‌رئیسه مجلس تاکید کرد: وظیفه شرعی، عقلی و میهنی همه، حفظ انسجام است. لذا آسیب‌زدن به این انسجام خیانت است. علیرضا سلیمی در گفت‌وگویی با ایسنا، با تاکید بر لزوم حفظ انسجام و وحدت ملی گفت: وحدت و اتحاد شکل‌گرفته بین مردم، شییه یک معجزه است. مردم ایران بار دیگر نشان دادند که در بزنگاه‌ها، در صحنه حضور دارند. مردم با هوشیاری مثال‌زدنی، توطئه چندلایه علیه کشور را خنثی کردند. او با اشاره به جنگ ۱۲روزه گفت: دشمنان فقط به دنبال حمله نظامی و غافلگیرانه نبودند، بلکه آنها عملیاتی ترکیبی و چندلایه علیه کشور طراحی کرده بودند؛ عملیاتی که دشمنان از سال‌ها پیش برای اجرای آن برنامه‌ریزی داشته و ماه‌ها برای حمله به برخی از مناطق ایران تمرین کرده بودند. نماینده تهران در مجلس توضیح داد: تصور دشمن این بود که با حمله به برخی از ارکان، می‌توانند اغتشاشات را در داخل کشور رقم زده و با دمیدن در آتش اغتشاشات، فعال‌سازی گروه‌های شبه‌نظامی آموزش‌دیده و ایجاد زنجیرهای از بمب‌گذاری‌ها، هرج‌ومرج رقم زده و با کشتار وسیع مردم، به اهداف خود برسند. اما مردم با هوشیاری و دقت، مسئله را کشف و مشت آنها را باز کردند و اجازه خودنمایی به آنها را ندادند. او با بیان اینکه «دشمنان به دنبال تجزیه ایران بودند»، افزود: حضور بزرگ و یکپارچه مردم با همه سلیقه‌ها و دیدگاه‌ها، نشان داد که مردم ایران بسیار جلوتر از دیگران فکر می‌کنند. سلیمی با تاکید بر اینکه «باید انسجام ملی را حفظ کرد»، گفت: برخی از مسئولان مراقب باشند که مواضع آنها باعث ناراحتی مردم نشود. در این چرخ رند روز عده‌ای خواستند که با مواضع‌شان، عده‌ای را در خارج از کشور راضی کنند، اما باید مراقب بود که مردم در داخل کشور ناراحت نشوند. این عضو هیئت‌رئیسه مجلس خاطرنشان کرد: باید تلاش مضاعفی برای رفع مشکلات مردم شود؛ به مردم بها داده شده و آنها به حاشیه نروند. باید با مردم صحبت کرد و آنها را در جریان مسائل قرار داد. همچنین از طرح مسائلی که باعث رنجش مردم می‌شود، پرهیز کرد. او یادآور شد: هر زمان که کشور در شرایط سخت قرار می‌گرفت، امام(ره) و رهبری مسائل را با مردم در میان می‌گذاشتند. مسئولان نیز مسائل را با مردم مطرح کنند؛ چون آنها وقتی متوجه اشکالی شوند، برای رفع مشکلات آستین لاا می‌زنند. باید سبک مدیریت امام(ره) و رهبری الگوی همه مدیران و مسئولان کشور باشد. سلیمی اضافه کرد: همچنین باید از ظرفیت عظیم مردم بهره گرفت؛ دولت نیز آرام‌آرام اقتصاد را به مردم واگذار کند. دیگر اقتصاد دولتی و شبه‌دولتی کافی است و باید اجازه داده شود که مردم، بازار و اقتصاد را مدیریت کنند. البته نظارت جدی دولت وجود دارد. داشته باشد، اما اقتصاد را واگذار کند. او در پایان و در جمع‌بندی گفت: هنوز جنگ تمام نشده و ما در میانه جنگ هستیم، اما وظیفه شرعی، عقلی و میهنی همه این است که انسجام را حفظ کنیم. آسیب‌زدن به این انسجام، خیانت به کشور است.



«شرق» از یاغی‌گری‌های فرمانطقه‌ای اسرائیل و احتمال وقوع جنگ‌های فرامرزی گزارش می‌دهد

جنگ بدون مرز

نوبت به ترکیه و پاکستان می‌رسد؟

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ محسن رضایی در گفت‌وگوی اخیر خود به نکته‌ای کلیدی اشاره کرده است که وضعیت کنونی جهان، حکایت از شکل‌گیری نظم جدیدی دارد که سه کانون اصلی درگیری را در بر می‌گیرد: «اوکراین و شرق اروپا، غرب آسیا و دریای چین». به باور او، این درگیری‌ها سرنوشته نظم آینده جهان را رقم خواهند زد؛ اما اگر تحلیل رضایی را قدری تغییر دهیم و از منظر دیگری به بوته تحلیل ببریم می‌توان به یک نکته کلیدی رسید ناظر بر اینکه می‌توان به گزاره‌ای تحت عنوان «یاغی‌گری‌های فرمانطقه‌ای اسرائیل و احتمال وقوع جنگ‌های فرامرزی تا آسیانه میانه و شبه‌قاره» هم فکر کرد. باید گفت که اقتضانات سیاسی، دیپلماتیک، امنیتی، نظامی و دفاعی بعد از جنگ ۱۲روزه که فضای جدیدی را برای منطقه غرب آسیا ایجاد کرده و بدون شک دایره تبعات آن، فرمانطقه‌ای خواهد بود، خبر از این می‌دهد که اسرائیل در یک ریل‌گذاری جدید به عنوان یک بازیگر یاغی، سعی دارد دایره تنش را به فراتر از مرزهای ایران بکشاند. این دیدگاه که ریشه در تحلیل کلان تحولات بین‌المللی دارد، ضرورت بازنگری در پویایی‌های امنیتی منطقه‌ای، به‌ویژه در غرب آسیا تا شرق آسیا را بیش از پیش آشکار می‌کند و در این راستا، بررسی دقیق اقتضانات پس از جنگ تحمیلی ۱۲روزه اخیر از اهمیت بسزایی برخوردار است.

نظم نوین جهانی وکانون‌های درگیری

جهان امروز در آستانه تحولی عظیم قرار دارد که در آن نظم چندلایه و پیچیده‌ای در حال تعریف است. کانون‌های درگیری ذکرشده توسط محسن رضایی از اوکراین تا غرب آسیا و دریای چین، نقاط عطفی هستند که در آنها رقابت قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای به شکلی فزاینده درهم‌تنیده شده است. در این میان، غرب آسیا به دلیل موقعیت استراتژیک و تنوع بازیگران سیاسی و نظامی به یکی از حساس‌ترین مناطق جهان تبدیل شده است. جنگ ۱۲روزه تحمیلی اخیر که بدون وجود مرز مشترک زمینی رخ داد، نشان‌دهنده ظهور الگوهای جدیدی از منازعه است که در آن محدودیت‌های جغرافیایی دیگر مانع اصلی درگیری‌ها نیستند.

این تحولات که از منظر نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از «جهان پساقطبی» تفسیر شود، نیازمند بازتعریف مفاهیم سنتی امنیت و درگیری است. در این چارچوب، اسرائیل به عنوان یک بازیگر غیرقابل کنترل در غرب آسیا، با اتخاذ رویکردی تهاجمی و یاغی‌مانانه، تلاش دارد دایره تنش‌ها را فراتر از مرزهای ایران گسترش دهد و بازیگران جدیدی را به عنوان اهداف بالقوه درگیری در نظر بگیرد.

اسرائیل وریل‌گذاری جدید درسیاست خارجی

اسرائیل، پس از جنگ ۱۲روزه تحمیلی علیه ایران، به نظر می‌رسد در حال بازتعریف استراتژی‌های خود در منطقه است. پیش از این، تل‌آویو عمدتاً بر تقابل با تهدیدهای مستقیم متمرکز بود. بنابراین تمام جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی با کشورهای پیرامون فلسطین اشغالی بود، اما اکنون اسرائیل رویکرد تهاجمی‌تر و گسترده‌تری را در پیش گرفته است. حملات اخیر اسرائیل به یمن و همچنین اقدامات تحریک‌آمیز در برابر دیگر بازیگران منطقه‌ای، نشان‌دهنده تلاش این رژیم برای ایجاد یک نظم امنیتی جدید است که در آن، پارامترهای چون وجود مرز مشترک و محدودیت‌های جغرافیایی دیگر تعیین‌کننده اصلی تجاوزات و حملات نیستند. این رویکرد که می‌توان آن را «جهان‌شمولی تنش» نامید، به معنای گسترش دامنه درگیری‌ها به بازیگرانی است که حتی مرز مشترک زمینی با اسرائیل ندارند.

در این میان، دو کشور ترکیه و پاکستان به عنوان اهداف بالقوه بعدی اسرائیل مطرح شده‌اند. این انتخاب نه تنها از منظر ژئوپلیتیک، بلکه از منظر ایدئولوژیک و استراتژیک نیز قابل تحلیل است. جالب اینجاست که دیروز (چهارشنبه) هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، در یک نشست خبری مشترک با محمد اسحاق‌دار، همتای پاکستانی خود درباره تجاوزگری اسرائیل به ایران گفته بود: «پاکستان و ترکیه به عنوان همسایگان ایران قویا حملات اسرائیل را محکوم می‌کنند که با نقض قوانین بین‌المللی انجام شده است». صفحه روزنامه ترکیه تودی نیز در شبکه اجتماعی ایکس به نقل از فیدان نوشت: «ما بر این باوریم که تجاوز اسرائیل نته‌ها برای کشورهای منطقه، بلکه برای تمام جهان خطرآفرین است. ما اکنون امیدواریم آتش‌بسی دائمی برقرار شود».

یک گام تا جنگ ترکیه واسرائیل؟

ترکیه، تحت رهبری رجب طیب اردوغان، با تکیه بر نگرش‌های نئوعثمانی و اسلام‌گرایانه، به بازیگری تبدیل شده است که نفوذ خود را در مناطق پیرامونی و فرایرمانویی، از آسیای مرکزی تا قفقاز، مدیترانه شرقی، شمال آفریقا و...

گسترش داده است. این سیاست خارجی فعال و گاه تهاجمی، به‌ویژه در حمایت از مسائل جهان اسلام مانند فلسطین، ترکیه را به تهدیدی بالقوه برای اسرائیل تبدیل کرده است. در همین باره فایننشال‌تایمز در مطلبی تحلیلی نوشت: «جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل در سال ۲۰۲۵ موازنه قدرت در خاورمیانه را تغییر داده و خطر درگیری میان ترکیه و اسرائیل، دو متحد سنتی آمریکا را افزایش داده است. این تقابل که ریشه در رقابت‌های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک دارد، می‌تواند ثبات منطقه را به خطر بیندازد. اسرائیل به دنبال باطرachi نظم منطقه‌ای است، در حالی که آمریکا از درگیری طولانی‌مدت اجتناب می‌کند. خطر اصلی نه ادامه جنگ با ایران، بلکه رقابت فزاینده میان ترکیه و اسرائیل است».

این نشریه ادامه می‌دهد: «هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه، در اجلاس سازمان همکاری اسلامی، اسرائیل را مشکل اصلی منطقه خواند و نشان داد که آنکارا اکنون اسرائیل را دشمنی آشکار می‌بیند، نه متحد یا رقیب سابق. دولت باغلی، متحد اردوغان، اسرائیل را به تلاش برای محاصره و بی‌ثباتی ترکیه متهم کرده است. این دیدگاه‌ها که زمانی حاشیه‌ای بودند، اکنون در نهادهای اصلی و رسانه‌های جریان اصلی ترکیه رواج دارند. در مقابل، دستگاه امنیتی اسرائیل نفوذ منطقه‌ای ترکیه را تهدیدی بلندمدت و حتی خطرناک‌تر از ایران می‌داند. حمایت اردوغان از حماس و تعامل اسرائیل با کردهای سوریه که آنکارا آنها را تهدید می‌بیند، تنش‌ها را تشدید کرده است. تبادلات لفظی شدید و اقدامات متقابل، مانند حمایت اسرائیل از کردها، توازن شکننده قدرت را در منطقه‌ای ناپایدار تهدید می‌کند. فایننشال‌تایمز تحلیل می‌کند: «سوریه به میدان اصلی این رقابت تبدیل شده است. پس از سقوط اسد در اواخر ۲۰۲۴، ترکیه با حمایت از متحدان خود و کنترل بخش‌هایی از شمال سوریه، به دنبال حکومتی همسو با منافعش است و حضور اقتصادی و نظامی خود را گسترش می‌دهد. در مقابل، اسرائیل با افزایش حملات هوایی و حمایت از خودمختاری کردها و دروزی‌ها، به دلیل بدگمانی به حاکمان جدید سوریه با ریشه‌های جهادی، نظم پساجنگ را به نفع خود شکل می‌دهد. بمباران یک پایگاه نظامی ترکیه توسط اسرائیل در آوریل ۲۰۲۵ تنش‌ها را به اوج رساند. اگرچه خط ارتباطی نظامی میان دو طرف برقرار است، روابط دیپلماتیک همچنان سرد است».

این رسانه تاکید می‌کند: «این درگیری ریشه در تضادهای ایدئولوژیک دارد: ملی‌گرایی ترکی و پوپولیسم اسلام‌گرای اردوغان در برابر جاه‌طلبی‌های راست افراطی اسرائیل برای سلطه نظامی در لبنان، غزه و سوریه. این جهان‌بینی‌های متضاد مصالحه را دشوار کرده است. ترکیه از جنگ با ایران درس گرفته و در حال رفع آسیب‌پذیری‌های خود است. دونالد ترامپ باید از روابط خود با اردوغان و نتانیاهو برای مدیریت این تقابل استفاده کند. پایان جنگ غزه ممکن است بخشی از نارضایتی‌های ترکیه را کاهش دهد، اما رقابت بلندمدت میان این دو متحد آمریکا ادامه خواهد یافت. ایالات متحده باید پیذیرد آزمون بعدی خاورمیانه ممکن است از رقابت میان این دو شریک کلیدی ناشی شود، نه از دشمنان سنتی».

دراین‌بین، روزنامه «الجمهوریه» در گزارشی نوشته «تراخی هانگی»، رئیس شورای امنیت داخلی اسرائیل، روز دوشنبه با «احمد الشرع» معروف به ابومحمد الجولافی، از ابوظبی دیدار کرده است. شبکه عبری آبی‌۲۴ هم گزارش داد انتظار می‌رود بنیامین نتانیاهو و احمد الشرع، در ماه سپتامبر و پیش از نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در واشنگتن با یکدیگر دیدار کنند. بنیامین نتانیاهو نیز صراحتاً خبر داد احمد الشرع یک کانال ارتباطی با تل‌آویو باز کرده است. دراین‌بین رئیس‌جمهور آمریکا برای برقراری توافق میان اسرائیل و سوریه و پیوستن دمشق به پیمان ابراهیم تلاش می‌کند. با وجود تمام تحرکات حکومت جدید دمشق با اسرائیلی‌ها، نمی‌توان وقوع جنگ احتمالی ترکیه و اسرائیل را دور از واقعیت دانست.

تنها قدرت اتمی جهان اسلام در برابر تنها قدرت اتمی خاورمیانه

از سوی دیگر، پاکستان به عنوان تنها قدرت هسته‌ای جهان اسلام، از منظر نظامی و استراتژیک، هدف جذابی برای اسرائیل محسوب می‌شود. فارغ از مناسبات دهلی‌نو و تل‌آویو و جدا از نقش آفرینی‌های مخرب اسرائیل در مناقشه هند و پاکستان، اسلام‌آباد با داشتن توانمندی‌های هسته‌ای و موقعیت ژئوپلیتیک حساس در جنوب آسیا، می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه عمل کند. از این منظر می‌توان دلیل حمایت‌های جدی پاکستان از ایران در جریان جنگ تحمیلی اخیر را به‌خوبی درک کرد. چون اسلام‌آباد بیم آن دارد که هدف بعدی باشد؛ بنابراین پاکستان از همان ابتدای تجاوز، حملات اسرائیل به جمهوری اسلامی را «نقض حاکمیت ارضی ایران» دانست و این اقدامات را «تحریک‌آمیز» خواند.



در پیوست نکته یادشده، ژنرال «احمد شریف چودری»، مدیر روابطعمومی نیروهای مسلح پاکستان و سخنگوی رسمی ارتش این کشور، سه‌شنبه هفته جاری و در مصاحبه‌ای اختصاصی با الجزیره‌نت با اشاره به شرایط پرتنش منطقه‌ای در سایه وقوع جنگ اخیر بین ایران و اسرائیل، بر ادامه حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک اسلام‌آباد از تهران تاکید کرد و هرگونه تجاوز علیه یک کشور اسلامی را تهدیدی برای ثبات منطقه‌ای دانست. در این راستا، سخنگوی نهاد نظامی پاکستان تاکید کرد برنامه هسته‌ای آنها کاملاً محافظت‌شده است و هیچ طرفی، از جمله اسرائیل، نمی‌تواند بدون مواجهه با یک عامل بازدارنده قاطع، آن را هدف قرار دهد. این نشان‌دهنده اعتماد پاکستان به توانایی‌های دفاعی خود و توازن قدرت منطقه‌ای موجود است. البته در جریان جنگ تحمیلی نیز، وزارت خارجه پاکستان، ۲۴ خرداد در بیانیه‌ای ضمن محکوم‌کردن حمله اسرائیل به جمهوری اسلامی اعلام کرد: «جامعه بین‌المللی و سازمان ملل متحد مسئولیت دارند با پیروی از قوانین بین‌المللی، این تجاوز را فوراً متوقف و متجاوز را پاسخ‌گو کنند». پاکستان که هیچ‌گونه رابطه دیپلماتیک با اسرائیل ندارد و این رژیم را «دشمن» می‌داند، از گسترش نفوذ هوایی اسرائیل در منطقه ابراز نگرانی کرده بود.

حتی در جریان این جنگ تحمیلی به ایران، پاکستان تهدید کرد در صورت استفاده اسرائیل از سلاح‌های هسته‌ای علیه ایران، حمله تلافی‌جویانه هسته‌ای انجام خواهد داد. عمر کریم، پژوهشگر مسائل خاورمیانه در دانشگاه بیرمنگام، در مصاحبه‌ای با الجزیره با اشاره به مخالفت اسلام‌آباد با تداوم حملات هوایی در آسمان ایران گفته بود: «چنین موضوعی می‌تواند هوادارانی امنیتی در جناح غربی پاکستان را دستخوش تغییر کند». مقامات پاکستانی پیش‌تر اعلام کرده بودند که پس از حملات رژیم اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، پاکستان سیستم‌های دفاع هوایی خود را فعال و جت‌های جنگنده‌اش را در نزدیکی تأسیسات هسته‌ای و مرز خود با ایران مستقر کرده است. اسحاق دار، وزیر امور خارجه پاکستان، ادامه داد: «ما در کنار ایران هستیم و این کشور حمایت اسلام‌آباد را دارد».

نظم امنیتی جدید ودرگیری‌های غیرمتعارف

یکی از ویژگی‌های برجسته نظم امنیتی نوظهور در غرب آسیا، کاهش اهمیت مرزهای جغرافیایی به عنوان پیش‌نیاز درگیری است. جنگ ۱۲روزه میان ایران و اسرائیل که بدون وجود مرز مشترک زمینی رخ داد، نمونه‌ای بارز از این تحول است. این الگو، که می‌توان آن را «جنگ‌های غیرمتعارف فرامرزی» نامید، نشان‌دهنده استفاده گسترده از فناوری‌های پیشرفته مانند پهپادها، موشک‌های دوربرد و حملات سایبری است که امکان درگیری در فواصل دور را فراهم کرده‌اند. حملات اسرائیل به یمن و همچنین اقدامات تحریک‌آمیز علیه دیگر بازیگران منطقه‌ای، تأییدی بر این واقعیت است که نظم امنیتی جدید دیگر به مرزهای فیزیکی محدود نمی‌شود. در این چارچوب، احتمال درگیری اسرائیل با ترکیه و پاکستان، حتی در غیاب مرز مشترک، چندان دور از ذهن نیست. ترکیه با توانمندی‌های نظامی رو به رشد و سیاست خارجی فعال، می‌تواند به عنوان یک رقیب منطقه‌ای برای اسرائیل عمل کند. درگیری‌های لفظی میان اردوغان و مقامات اسرائیلی در سال‌های اخیر، به‌ویژه در موضوع فلسطین، نشان‌دهنده عمق تنش‌های موجود است. از سوی دیگر، پاکستان با توان هسته‌ای و روابط نزدیک با کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران، می‌تواند به عنوان یک هدف استراتژیک برای اسرائیل مطرح شود. هرچند درگیری مستقیم میان اسرائیل و پاکستان در کوتاه‌مدت بعید به نظر می‌رسد، اما میان‌مدت و بلندمدت، سناریوهایی مانند حملات سایبری، عملیات مخفی یا حتی درگیری‌های نیابتی نمی‌توانند به طور کامل منتفی باشند.

شکل‌گیری نظم امنیتی جدید در غرب آسیا، که در آن بازیگران، بدون مرز مشترک زمینی نیز می‌توانند وارد درگیری شوند، پیامدهای عمیقی برای ثبات منطقه‌ای و جهانی خواهد داشت. این تحولات، از یک سو رقابت تسلیحاتی و فناوری را در منطقه تشدید خواهد کرد و از سوی دیگر، ضرورت بازنگری در دیپلماسی منطقه‌ای را برجسته می‌کند. برای ایران، که در مرکز این تحولات قرار دارد، تقویت اتحادهای منطقه‌ای با کشورهایی مانند ترکیه و پاکستان و همچنین گسترش توانمندی‌های دفاعی غیرمتعارف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دراین‌میان نقش دیپلماسی پیشگیرانه و گفت‌وگوهای چندجانبه برای کاهش تنش‌ها انکارناپذیر است. ایجاد سازوکارهای منطقه‌ای برای مدیریت بحران، مانند کنفرانس‌های امنیتی با حضور بازیگران کلیدی، می‌تواند از تشدید درگیری‌ها جلوگیری کند. همچنین تقویت همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران، ترکیه و پاکستان، می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر اقدامات تهاجمی اسرائیل عمل کند.

گزارش

گزارشی از دیدار عباس عراقچی با مقامات ارشد عربستان سعودی در جده

دیپلماسی در وقت اضافه

شرق؛ شامگاه سه‌شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۴ (هشتم جولای ۲۰۲۵)، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در جریان سفری کوتاه به جده، با محمد بن‌سلمان، ولیعهد و رئیس هیئت وزیران، فیصل بن‌فرحان، وزیر امور خارجه و خالد بن‌سلمان، وزیر دفاع عربستان سعودی دیدار کرد. این سفر که در مسیر بازگشت عراقچی از اجلاس سران بریکس در برزیل انجام شد، گامی مهم در راستای تداوم تنش‌زدایی و تقویت روابط دوجانبه میان تهران و ریاض بود. مذاکرات انجام‌شده که به گفته اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، «ثمربخش» بوده، بر توسعه همکاری‌های دوجانبه و بررسی تحولات منطقه‌ای متمرکز بود.

در دیدار با محمد بن‌سلمان، عراقچی بر عزم ایران برای گسترش روابط با عربستان براساس حسن هم‌جواری و منافع متقابل تاکید کرد. او ضمن قدردانی از موضع مسئولانه ریاض در محکومیت تجاوز نظامی اسرائیل و آمریکای علیه ایران در جنگ ۱۲روزه، این اقدامات را نقض آشکار منشور ملل متحد و رژیم منع اشاعه هسته‌ای خواند که امنیت منطقه را به خطر انداخته است.

مسئول سیاست خارجی ایران خواستار موضع‌گیری منسجم کشورهای منطقه علیه توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی شد. بن‌سلمان نیز با ابراز رضایت از روند رو به رشد روابط دو کشور، بر تعهد رهبری عربستان به توسعه همکاری‌ها در همه عرصه‌ها تاکید کرد. او ضمن محکوم‌کردن تجاوز به تمامیت ارضی ایران، امنیت منطقه را در گرو همکاری کشورهای منطقه دانست و آمادگی ریاض برای استفاده از ابزارهای دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها را اعلام کرد.

در ادامه شاهد دیدار فیصل بن‌فرحان و عراقچی بودیم که وزیر امور خارجه کشورمان از میزبانی ارزشمند عربستان در مراسم حج و مساعدت در بازگشت حجاج ایرانی پس از مشکلات ناشی از تجاوز اسرائیل قدردانی کرد. او با اشاره به اجماع منطقه‌ای در محکومیت اقدامات اسرائیل، مسئولیت مشترک کشورهای منطقه برای مقابله با جنگ‌افروزی رژیم صهیونیستی را خاطرنشان کرد و تداوم نسل‌کشی در فلسطین و حملات به لبنان و سوریه را عامل اصلی ناامنی منطقه دانست. فیصل بن‌فرحان نیز با تاکید بر موضع اصولی عربستان در محکومیت تجاوز به ایران، بر ضرورت تلاش برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها و آمادگی ریاض برای همکاری در این مسیر تاکید کرد.

دیدار عراقچی با خالد بن‌سلمان، وزیر دفاع عربستان نیز بر تقویت همکاری‌های امنیتی و دفاعی متمرکز بود. عراقچی سفر اخیر خالد به تهران را گامی مؤثر در پیشبرد همکاری‌های دوجانبه دانست و تجاوز اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران را جانیی نابخشودنی خواند. خالد بن‌سلمان ضمن تسلیت شهادت جمعی از شخصیت‌های نظامی و غیرنظامی ایران، بر ضرورت همکاری منطقه‌ای برای مقابله با عوامل ناامن‌ساز تاکید کرد.

او در پستی در شبکه ایکس، این دیدار را فرصتی برای بررسی جنبه‌های مختلف همکاری‌های دوجانبه و تحولات منطقه‌ای توصیف کرد. این دیدارها که در سایه آتش‌بس شکننده پس از جنگ ۱۲روزه انجام شد، نشان‌دهنده عزم مشترک تهران و ریاض برای تثبیت روابط در نظم جدید خاورمیانه است. موضع‌گیری قاطع عربستان علیه تجاوزات اسرائیل و تاکید بر دیپلماسی، نشانه‌ای از تغییر رویکرد ریاض از تبعیت کامل از سیاست‌های دیکتاتری آمریکا به سوی توازن‌سازی منطقه‌ای است. این تحول، فرصتی برای ایران و عربستان فراهم می‌کند تا با همکاری، ثبات و امنیت منطقه را تقویت کنند.